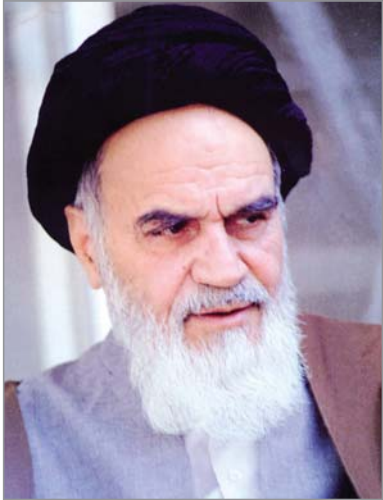




حکم شرعی دریافت کارمزد از سوی صندوق‌های قرض‌الحسنه

صندوق قرض‌الحسنه در عین حال که محسنات فراوانی داشته و مشکلات مالی بسیار زیادی از مردم را به راحتی حل می‌کند، اما درگیر یک مشکل بزرگ است و آن تأمین هزینه‌های صندوق است.

مهم‌ترین هزینه‌های صندوق قرض‌الحسنه عبارتند از: هزینه تشکیل جلسات - هزینه خرید ملزومات اداری - هزینه خرید نرم افزار - هزینه پشتیبانی نرم افزار - هزینه مدیر صندوق و کارکنان.

مسئولین صندوق‌ها از ابتدا سعی کرده‌اند برای حل این مشکل راهکاری پیدا کنند، و در نهایت راهکار مشترکی که همه صندوق‌ها برای تأمین هزینه‌ها از آن بهره برده‌اند، گرفتن کارمزد از قرض گیرنده است.

اما گرفتن کارمزد در قرض به نظر عده‌ای از مراجع اشکال فقهی داشته و آن را مصداق ربا می‌دانند، به عنوان نمونه؛

• مراجع تقلیدی که مطلقاً گرفتن کارمزد را جایز نمی‌دانند

سوال: در برخی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، هنگام پرداخت

وام، به گیرنده وام از یک تا پنج درصد مبلغ وام را به عنوان کارمزد کم می‌کنند و بقیه را به وام گیرنده می‌دهند، به‌گونه‌ای که اگر وام گیرنده این عمل را نپذیرد، وام تعطیل می‌گردد. آیا این عمل صورت شرعی دارد؟

جواب: "خیر، این همان رباست؛ مگر معامله شرعیه‌ای در قبال کارمزد معین انجام گیرد، به شرط وام." (آیت الله بهجت، استفتانات، جلد ۳، سوال ۳۹۸۷.)

مسئله ۱۰۳۷- "اگر قرض دهنده بخواهد از اموال خویش بدون واسطه یا با واسطهٔ فرد معینی به دیگران قرض دهد، دریافت کارمزد و حق الزحمه برای قرض احکام خاصی دارد، که حکم هشت صورت آن در این قسمت بیان می‌شود، ۱- قرض دهنده شرط نماید قرض گیرنده مبلغی را هرچند اندک (مثلاً یک درصد) به عنوان کارمزد به وی بپردازد؛ این صورت ربا و حرام است." (آیت‌الله سیستانی توضیح المسائل جامع جلد ۳)

سؤال۲۱۳۰: کارمزدی که بعضی صندوق های قرض‌الحسنه می‌گیرند، چه حکمی دارد؟

جواب: "باسمه تعالی ؛گرفتن زیادی از مقدار داده شده به صورت قرض جایز نیست ،گرچه به عنوان کارمزد باشد؛ و راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان قرض‌الحسنه دفترچه‌هایی به عنوان دفترچه اقساط مثلاً تهیه کنند که فی نفسه مالیت داشته باشد و هر یک از آن دفترچه‌ها را به متقاضی قرض‌الحسنه به همان زیادی که می‌خواهند از او بگیرند، بفروشند، و در ضمن بیع شرط کنند که صندوق قرض بدون سود بدهد، و الله العالم." (فتاوی آیت‌الله‌العظمی تبریزی درمورد بانکداری و احکام بانک)

• مراجع تقلیدی که گرفتن کارمزد به شکل درصد را جایز نمی‌دانند

سؤال: گرفتن درصد بسیار کم مانند ۱٪ به‌عنوان کارمزد توسط

ادامه از صفحه اول

قرآن کریم: ﴿وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۱) و از آتشی که برای کافران آماده شده است بپرهیزید.

قرآن کریم: ﴿فَيُظْلَمَ مِنْ الَّذِينَ هَآؤُلَآ خَوْفُنَا عَلَيْهِمْ طَلِبَاتٌ أُجِلَتْ لَهُمْ وَيَصُدُّهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ (نساء/۱۶۰) ﴿فَيُظْلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَآؤُلَآ خَوْفُنَا عَلَيْهِمْ طَلِبَاتٌ أُجِلَتْ لَهُمْ وَيَصُدُّهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ (نساء/۱۶۱) پس به کیفر ستمی که یهودیان [به آیات خدا و بر خود و دیگران] روا داشتند، و به سزای آنکه بسیاری از مردم را از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود [مانند صید ماهی و خوردن چربی و شیر و گوشت حیوانات] حرام کردیم. (و [نیز به سبب] رباگرفتن‌شان با آنکه از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل و نامشروع [پاکیزه‌های حلال شده را بر آنان حرام کردیم] و ما برای کافران عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.

و در روایات می‌خوانیم:

پیامبر ﷺ: «أَتَيْتُ لَيْلَةَ أُشْرَى بِي عَلَى قَوْمٍ يُطَوِّفُهُمُ كَالْبُيُوتِ فِيهَا الْحَيَاتُ تُرَى مِنْ خَارِجٍ يُطَوِّفُهُمْ قُلُتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جَبْرِئِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ أَكَلَةُ الرِّبَا» (کنزالعمال، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۹۷۶۶) شبی که به معراج رفتم بر مردمی گذشتم که شکم‌هایشان چون خانه‌ای بود و در آنها مارهایی وجود داشت که از بیرون شکم‌هایشان دیده می‌شد. پرسیدم: ای جبرئیل اینها کیستند؟ گفت: اینان رباخوارانند.

پیامبر ﷺ: «مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بَعْدَ مَا أَكَلَ، وَإِنْ أَكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَقَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ، وَلَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَايِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِيرَاطٌ (وَاحِدٌ)﴾ (ثواب الاعمال، ص ۲۸۵) هر کس ربا بخورد خداوند عزوجل به‌اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تازمانی که قیراطی (کمترین مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند.

پیامبر ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَعَنَ أَكْلَ الرِّبَا وَمُؤْكَلَهُ وَكَاتِبَتَهُ وَشَاهِدَتَهُ» (امالی صدوق، ص ۳۴۶) خدای عزوجل رباخوار و ربا

دهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت کرده است.

امام صادق علیه السلام: «دَرَجَتُ رِبَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ زَنْيَةً يَذَاتُ مَخْرُوفٍ فِي ثَبِتِ اللَّهِ الْخَرَامِ» (نورالنفلین، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۱۱۷۷) یک درهم ربا نزد خداوند سنگین‌تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا.

• تاریخچه ربا و رباخواری در جهان

ربا در لغت و اصطلاح شرع و اقتصاد:

ربا در لغت به معنای رشد و نمو و علو و برتری است.^۱



به گفته راغب اصفهانی، ربا زیادی بر سرمایه را گویند، ولی در شرح به زیاده‌هایی مشخص گفته می‌شود.^۲ مقدس اردبیلی نیز در این‌باره می‌نویسد: ربا در لغت همان مطلق زیاد است و در شریعت نیز به افزوده در معامله و زیادی گرفتن در قرض (ربای قرض) گویند. پس ربا عبارت است از افزودهای که افراد از وامدار خود می‌گیرند یا در معامله در شرایطی مشخص دریافت می‌کنند.^۳

صاحب جواهر نیز ربا را اینگونه تعریف می‌کند:

ربا فروختن یکی از دو جنس مثل هم به جنس هممثل خود است که کیلی و وزنی بوده و همراه با زیاده حقیقی یا حکمی باشد، یا قرض دادن چیزی (هرچند با وزن و کیل سنجیده نشود) و گرفتن زیادی.^۴

تعریف‌های فقیهان بیشتر بر این محور است، ولی از دیدگاه اقتصاددانان، ربا یا بهره تنها در قرض روی می‌دهد. به نظر اسمیت و ریکاردو، بهره، عوضی است که وام گیرنده از سودی که ممکن است بر اثر استثمار مال وام دهنده به دست آورد، به وی می‌پردازد.^۵

به بیان دیگر، بهره، قیمت پول است که به عنوان پاداش به وام دهنندگان داده می‌شود.^۶

بنابراین، روشن است که دایره ربا در نگاه فقهی، گسترده‌تر از دیدگاه اقتصادی است؛ زیرا اقتصاددانان، ربا را در داد و ستدها، جاری نمی‌دانند.

• تاریخ جایز شمردن رباخواری

تاریخ رباخواری به هزاران سال پیش از میلاد باز می‌گردد. ویل دورانت در این‌باره می‌نویسد: از اسناد بر جای مانده از چهار هزار سال پیش از میلاد، به دست می‌آید که قراردادها را با نوشتن،

نشود. آیا پرداخت این مبلغ اضافه ربا به حساب می‌آید؟

"جواب: ۱- قرض به شرط زیاده، ربا است. ۲- چیزی که به عنوان کارمزد پرداخت شود، جایز است." (آیت‌الله جوادی آملی، استفتانات، ص۱۱)

مسئله۲۴۲۷- "چیزی را که صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان کارمزد و حق الزّحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب، اقساط و امثال این امور می‌گیرند اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات هزینه‌های بانک باشد، نه این‌که همان سود پول را به نام کارمزد بگیرند. صندوق‌های قرض‌الحسنه نمی‌توانند هیچ‌گونه شرطی در برابر دادن وام بکنند، مثلاً بگویند شرط وام آن است که کارمزدی بدهند، بنابراین باید کارمزدی را که می‌گیرند چیزی جداگانه از وام باشد." (آیت‌الله مکارم شیرازی)

• مراجع تقلیدی که می‌فرمایند کارمزد در صورتی که واقعاً مزد کار نباشد، جایز نیست

سؤال: نظر به این‌که صندوق قرض‌الحسنه‌ای، مخارجی دارد از قبیل حقوق کارمندان، صرف اوراق بهادار، اجاره مکان و ... و در

گواهی می‌کردند و نیز آیین وام گرفتن در نزد آنان معمول بوده است و سودی سالیانه نزدیک به ۱۵ تا ۲۳ درصد به وام دهندگان می‌داده‌اند. ربا از جنس خود کالا دریافت می‌شده است. کاهنان نیز به مردم قرض ربوی می‌دادند. هرکس باید بدهی خود را می‌پرداخت؛ در غیر این صورت، وام دهنده می‌توانست فرزند بدهکار را به گروگان بگیرد.^۷

(الف) رباخواری در ملت‌های باستان

۱. سومریان؛ آیین وام گرفتن و سود دادن نزد سومریان مرسوم بوده است. آنان کالا یا زر و سیم را به قرض می‌گرفتند و در برابر سود سالیانه، از همان جنس، بین ۱۵ تا ۳۳ درصد به وام دهنده می‌دادند.^۸

۲. بابل؛ در بابل بهره ربایی بسیار زیاد بود. دولت آن را سالانه ۲۰ درصد برای وام فلزی و ۳۳ درصد برای وام جنسی قرارداد کرده بود. بازرگانان به این اندازه هم بسنده نمی‌کردند و با به‌کارگیری منشیان زبردست قانون را زیر پا می‌گذاشتند.^۹

۳. آشوریان؛ در میان آشوریان، بانک‌های خصوصی به بازرگانان و دارندگان صنایع وام می‌دادند و در مقابل، سودی برابر با ۲۵ درصد می‌گرفتند.^{۱۰}

۴. هند؛ در هند قدیم نیز ۱۸ درصد بهره برای وام می‌پرداختند.^{۱۱}

۵. مصر باستان؛ در تمدن قدیم مصر، رباخواری آزاد بود و تنها قانون‌هایی برای کاستن آن وجود داشت. برای نمونه، به موجب قانون لوخوریوس – از پادشاهان سلسله بیست و چهارم– هیچ‌گاه جایز نبود سود آنقدر بالا رود که مقدار آن به‌اندازه اصل سرمایه برسد.

۶. یونان و روم؛ در یونان، پیش از دوران اصلاحات و قانونگذاری معروف سولون و در رم پیش از اینکه قانون الواح دوازده‌گانه رباخواری تصویب شود، رباخواری به‌گونه‌ای نامحدود رایج بود. عادت شده بود که هرگاه بدهکار نمی‌توانست قرض خود را بپردازد، برده وام دهنده می‌شد، ولی قانون سولون این عادت غیر انسانی را برداشت و گفت: «هیچ‌کس از راه بدهی، برده دیگری نمی‌شود».^{۱۲}

ویل دورانت در شرح انقلاب سولون می‌نویسد:

او با قانون معروف خود، یعنی «قانون برداشتن بارها و تعهدات» توانست همان‌گونه که ارسطو می‌گوید همه وام‌های فردی و دولتی را لغو کند. بدین‌گونه اراضی اتیکه را از بند گرو آزاد کرد. افزون بر این، تمام کسانی را که دچار بردگی شده بودند، آزادی بخشید. وی افرادی را که در خارج از کشور به عنوان برده به فروش رفته بودند، باز گرداند واز آن پس، این کار را ممنوع کرد.^{۱۳}

بنابراین، سولون همه بردگان را آزاد کرد و سودی که برای یک بدهی پرداخت می‌شد، از ۱۲ درصد بیشتر نمی‌شد.^{۱۴}

در روم، تنظیم کنندگان الواح دوازده‌گانه به تقلید از قانونی که در یونان اجرا شد، سود را به ۱۲ درصد اصل بدهی کاهش دادند.

آلبرماله درباره رباخواری رومیان می‌نویسد: برخی از شوالیه‌ها صراف بودند و از راه بهره و نزول ثروتمند می‌شدند. از مردم روم، به نرخ کم وام می‌گرفتند و به ساکنان ایالت‌ها، به میزان گران‌تر، قرض می‌دادند. آنان بیشتر برای ستانورها معامله می‌کردند. چنان‌چه

بروترئوس، دوست سیسرون که از اعضای مهم مجلس سنا و از اشخاص پاکدامن آن‌زمان به شمار می‌رفت، از سوی اسکاپتیوس به یکی از سرزمین‌های جزیره قبرس، به نرخ ۴۸ درصد، مبلغی قرض داد و چون آن شهر نتوانست در تاریخ مشخص شده، قرض خود را بپردازد، اسکاپتیوس سوارانی از حاکم خواست و تالار شورای شهر را به محاصره درآورد تا آنکه پنج نفر از اعضای شورا از گرسنگی مردند.^{۱۵}

ژوستنین در قانون‌گذاری معروف خود، نسبت ۱۲ درصد را تنها برای تاجران و مانند آنان، جایز دانست در حقّ دیگر قشرها، دستور داد تا از ۴ درصد بیشتر نباشد.^{۱۶}

منبع: کتاب «ربا و راه‌های گریز از آن» سید محمد حسن علوی انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۸۲

• پی‌نوشت‌ها

- ^{۱-} معجم مقاییس اللغة.
- ^{۲-} راغب اصفهانی، معجم المفردات الفاظ القرآن، قم، چاپخانه شریعت، انتشارات ذوی‌القرنی، ۱۴۲۳هـ.ق، ج ۲، ص ۳۳۰ «ماده، ربو».
- ^{۳-} احمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤتسه نشر اسلامی، ج ۲، ح ۸، ص ۴۵۱.
- ^{۴-} شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، پژوهش: شیخ عباس قزوینی، بیروت، دار احیاءالقرات العربی، ج ۱۷، ج ۲۳، ص ۳۳۴.
- ^{۵-} حسن محمدتقی الجواهری، الزیبا فقهیا و اقتصادیا، بیروت، دارالمرتضی، ۱۹۶۹–۱۹۷۰، ص ۳۳۳.
- ^{۶-} سیدعباس موسویان، پسانداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۲.
- ^{۷-} میثم موسایی، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، تهران، مؤتسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳.
- ^{۸-} ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران، چاپ کیهانک، صفا و سهند، ج ۳، ص ۱۵۱.
- ^{۹-} همان، ص ۲۷۰.
- ^{۱۰-} همان، ص ۳۲۲.
- ^{۱۱-} همان، ص ۳۲۳.
- ^{۱۲-} تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، ص ۱۳؛ ابراهم زکی‌الدین بدوی، نظریه الزیبا المحرم فی الشریعة الاسلامیه.
- ^{۱۳-} ویل دورانت، تاریخ رم، برگردان: میرزا غلامحسین زیرک‌زاده، تهران، دنیای کتاب و علمی، ۱۳۶۲هـ.ش، ج ۱، ص ۱۳۴.
- ^{۱۴-} محمد مجتهد شبستری، رباخواری یا ظالمانه‌ترین استعمار اقتصادی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۴۶، ص ۱۶؛ الزیبا فقهیا و اقتصادیا، ص ۳۱۸.